



Heroic Precence

Introducing the 13 heroic women martyred by counter-revolutionary groups in West Azerbaijan Province

Majid Mazhar Safari

university lecturer

Abstract:

In the area of sacred defense and the establishment of lasting security in the West Azerbaijan Province, the people of the province, especially the faithful and patient women, were able to thwart the world's arrogance plots with brutality and devotion. A review of the use of a special book or article did not provide for the introduction of women who opposed the goals and function of the counter-revolutionary groups of the province with their own blood. In this paper, a descriptive-analytical research method and a library study (which includes articles using the qualitative-argumentative method) is thoroughly investigated. thirteen women who consciously defended the Islamic system in their place of life and enemies hey have been mercilessly martyred, identi_ed and introduced.

hese women are from di_erent cities of the province, and a_er they have been aware of the evil intentions of enemies to the people of the region and the _ght against internal counter-revolutionary groups, they are subject to the wrath of enemies in defending the privacy of their family, child, father, wife or brother, and by abducting or hey have been martyred by torture and beating in their homes and homes. It should be recalled that, in addition to the testimony of these heroes, nineteen people from the house have received testimony as evidence of the assassination of the above women..

Review History:

Received:28 Now 2024

Revised: 18 Dec 2024

Accepted: 30 Dec 2024

Availabl Online:4 Apr 2025

Keywords:

martyr women
counterrevolutionary groups
kidnapping
assassinations

How To Cite This Article:

Majid Mazhar Safari. (2025). Heroic Precence Introducing the 13 heroic women martyred by counter-revolutionary groups in West Azerbaijan Province– . *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(3) 1-15 (In Persian)



*Corresponding author's email: majid.safa40@yahoo.com





حضور قهرمانانه

"معرفی ۱۳ زن قهرمان شهید به دست گروهک‌های ضدانقلاب استان آذربایجان غربی"

مجید مظهر صفاری

مدرس دانشگاه

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۳/۹/۸

بازنگری: ۱۴۰۳/۹/۲۸

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

ارائه آنلاین: ۱۴۰۴/۱/۱۵

کلمات کلیدی:

زنان شهید

گروهک‌های ضدانقلاب

ربایش

ترور

در عرصه دفاع مقدس و برقراری امنیت پایدار در استان آذربایجان غربی، مردم استان به‌ویژه زنان باایمان و صبور، با رشادت و جان‌فشانی توانستند توطئه‌های استکبار جهانی را خنثی نمایند. برابر بررسی به‌عمل آمده کتاب یا مقاله‌ای ویژه، برای معرفی زنانی که تاوان مخالفت با اهداف و عملکرد گروهک‌های ضدانقلاب استان را با نثار خون خویش داده‌اند، به دست نیامد. در این نوشتار با استفاده از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای، (که در بردارنده مطالب با بهره‌برداری از روش کیفی - استدلالی، راست‌آزمایی شده است)، سیزده تن از زنانی که در محل زندگی خود آگاهانه به دفاع از نظام اسلامی پرداخته و دشمنان با سنگدلی تمام آن‌ها را به شهادت رسانده‌اند، شناسایی و معرفی شده‌اند. این زنان از شهرهای مختلف استان بوده و پس از شناساندن نیت شوم دشمنان به مردم منطقه و مبارزه با گروهک‌های ضدانقلاب داخلی، در دفاع از حریم خانواده، فرزند، پدر، همسر و یا برادر خود، مورد غضب و حقد دشمنان قرار گرفته و با ربایش و یا در حریم خانه و کاشانه‌ی خود با تحمل شکنجه و ضرب و شتم به شهادت رسیده‌اند. لازم به یادآوری است افزون بر شهادت این قهرمانان، نوزده تن از اهل خانه نیز هم‌زمان با ترور زنان فوق، به فیض شهادت نائل آمده‌اند.

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Majid Mazhar Safari. (2025). Heroic Percence Introducing the 13 heroic women martyred by counter-revolutionary groups in West Azerbaijan Province -. Strategic Studies of Women, Defense and Peace, 2(3) 1-15 DOI:**** (In Persian)



مقدمه

در طول تاریخ تعداد زنان جنگجو که در صحنه‌های نبرد با دشمنان جنگیده و جان خود را از دست داده‌اند، بسیار کمتر از مردان بوده است. ولی کارکرد زنان در جنگ، تنها به دفاع و برقراری امنیت، تحریک و تشویق مردان، پرستاری، حفظ سنگرهای پشت جبهه و مقاومت ملی ختم نمی‌شود، بلکه زنان همانند مردان در میدان‌های نبرد حضور یافته و از خود اسطوره‌های مقاومت و شجاعت ساخته‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ ایثار و شهادت، نوید شاهد). هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی توطئه‌های استکبار جهانی برای سرنگونی آن آغاز شد. در استان آذربایجان غربی، از اسفند سال ۱۳۵۷ گروهک‌های تجزیه‌طلب ساز مخالفت را با اهداف و آرمان‌های حضرت امام خمینی (ره) و مردم ایران زدند و با انتخاب مشی مسلحانه به مقابله چریکی و نظامی با مردم منطقه و نیروهای مسلح برخاستند. مردم بومی منطقه که تازه از ظلم و بی‌عدالتی رژیم پهلوی آزاد شده بودند، خود را در برابر زورگویی و عملکرد ظالمانه گروهک‌های ضدانقلاب تجزیه‌طلب که با تهدید و ارباب و ترور فیزیکی و شخصیتی می‌خواستند همه مردم منطقه را موافق اهداف شوم خود قرار دهند، دیدند. در این میان شیرمردانی از برادران اهل سنت کرد استان به پا خاسته و با تشکیل گروهک‌های مردمی تحت عنوان بسیجیان بومی و به‌ویژه پیشمرگان مسلمان کرد به مقابله با آن‌ها پرداختند. زنان بومی منطقه با تأسی از زنان مبارز و انقلابی کشور و برای دفاع از شرف، ناموس و خانواده خود، در برابر ظلم و جنایت مزدوران و سرکرده‌های گروهک‌های تجزیه‌طلب از جمله حزب منحل دموکرات و حزب کومله مقاومت نموده و در خیلی از موارد با نثار جان خون نگذاشتند، آن‌ها به اهداف شوم خود در منطقه دست یابند. در این زمینه امام خمینی (ره) می‌فرماید: زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده هم دوش مردان بلکه مقدم بر آنانند، زنان ایران هم مجاهدات انسانی عظیم کردند و هم مجاهدات مالی ... همین خانم‌های محبیه، همین‌ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیش قدم بودند. (صحیفه امام، ۳۴۱-۳۴۲). مقام معظم رهبری نقش زنان در دفاع مقدس را چنین بیان می‌کنند: نقش زنان در دوران محنت‌بار جنگ و دفاع مقدس نقش فوق‌العاده‌ای است و زنان سهم بسیار مؤثر و ارزنده‌ای در دفاع مقدس دارند. این قشر، گاه در نقش مادری و گاه همسری و در میدان دفاع، در نقش نیروی کمک‌رسان پشت جبهه و نیروی بسیجی و حتی صحنه جنگ، حضوری قهرمانانه داشته‌اند. وقتی زنی دفاع از اسلام را می‌پذیرد، به معنای این است که یک خانواده و مجموعه آن را پذیرفته است و مسئله‌ی بسیج یک زن در واقع به معنای بسیج یک خانواده است (مقام معظم رهبری در اجتماع گروهی از خواهران و برادران بسیجی در تاریخ ۵۶/۹/۱۰). و حتی در رابطه با نقش زنان منطقه در برقراری امنیت داخلی می‌فرمایند: خانم‌هایی که هم شوهرشان را از دست دادند، هم فرزندشان را از دست دادند و در برابر فشار روانی و سیاسی دشمن، پس از دست دادن جگرگوشه‌شان هم تسلیم نشدند، زیر فشار دشمن شانه خم نکردند. این خیلی عظمت دارد. من این را در کردستان دیدم (مقام معظم رهبری در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان در تاریخ ۸۸/۲۰/۲۲). نام این مقاله با تأسی از فرمایش مقام معظم رهبری "حضور قهرمانانه" انتخاب شده است که هدف از تدوین آن بیان رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های زنان شهیده استان آذربایجان غربی می‌باشد. در این مقاله سعی شده است تا با معرفی زنان شهیده معرکه‌ی نبرد یا ترور به دست گروهک‌های ضدانقلاب، (به‌جز شهدای مباران استان) نشان دهیم زنان بومی استان پا به پای پدران، همسران، برادران و فرزندان خود، به مقابله با توطئه‌های دشمنان اسلام پرداخته و با نثار جان خویش حاضر نشدند در زیر یوغ مزدوران استکبار جهانی زندگی خفت باری داشته باشند.

امام خامنه‌ای فرمودند: «اگر زنان دل در گرو انقلاب نداشتند، مردان این‌طور آزادانه در صفوف انقلاب جان‌فشانی نمی‌کردند. نقش زن در انقلاب، هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم، یک نقش برجسته و مجموعاً نقش اول است؛ در جنگ هم

همین‌طور بود» مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب(س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲).

ادبیات و پیشینه

تاکنون در زمینه‌ی نقش زنان استان در دفاع مقدس مطالبی منتشر شده است که به عنوان نمونه می‌توان به فصلنامه یادپاران کنگره بزرگداشت سرداران و ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی با شمارهای متعدد، کتاب‌نامه زنان شهید استان آذربایجان غربی، نوشته اسماعیل تقی‌زاده، ویژه‌نامه حماسه‌سازان جاوید، ویژه‌نامه زنان شهید و فداکار استان منتشره از سوی اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان آذربایجان غربی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، کتب و آثار کنگره سرداران و ۱۲ هزار شهید استان از جمله گهرهای ماندگار، فصلنامه ویژه خواهران سه شماره در سال ۱۳۸۰، و برگزاری جشنواره‌های متعدد در تجلیل از نقش زنان استان در دفاع مقدس، اشاره نمود ولی در مقاله حاضر به نقش بی‌بدیل زنان استان در برقراری امنیت پایدار پرداخته شده است. زنان شهیدی که در برابر تعدی و تجاوز گروهک‌های ضدانقلاب در منطقه خود پیام انقلاب اسلامی را به مردم رسانده و اهداف شوم و عملکرد ظالمانه آن‌ها را افشا نموده‌اند که در این میان با برخورد خشن و غیرانسانی آن‌ها مواجه شده‌اند. برابر بررسی به‌عمل آمده سیزده شهید زن که مستقیماً هدف ربایش، اعدام و ترور گروهک‌های ضدانقلاب در منطقه قرار گرفته‌اند، شناسایی شده و عملکرد آن‌ها به همراه شهادت عزیزانشان ارائه می‌شود تا نسل حاضر و نسل‌های آینده متوجه این امر باشند که برای مبارزه با استکبار جهانی حتی زنان این سرزمین جان‌فشانی کرده و به فیض شهادت نائل آمده‌اند.

روش پژوهش

در این مقاله با استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای، (که محتوی مطالب با بهره‌برداری از روش کیفی — استدلالی، راست‌آزمایی شده است)، زنانی که در محل زندگی خود آگاهانه به دفاع از نظام اسلامی پرداخته و دشمنان با قساوت تمام آن‌ها را به شهادت رسانده‌اند، شناسایی و معرفی شده‌اند.

تعریف مفاهیم

زنان شهید: زنانی در استان به ماهیت گروهک‌های ضدانقلاب پی برده و به افشاگری اهداف و عملکرد آن‌ها پرداخته‌اند. گروهک‌های مذکور حیات این زنان را مغایر با اهداف ظالمانه خود دانسته و آن‌ها را شهید کرده‌اند. گروهک‌های ضدانقلاب: منظور از این گروهک‌ها، حزب منحلہ دمکرات کردستان ایران و حزب کومله می‌باشند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با اتخاذ مشی مسلحانه در برابر انقلاب اسلامی صف‌آرایی کرده و مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی را هدف تاخت‌وتاز نظامی خود قرار دادند. ربایش: ربودن، چیزی یا کسی را با تردستی و به‌سرعت برداشتن یا کشیدن و بردن (انوری، ۱۳۸۲، ۱۱۲۳).

ترور: عمل تهدیدآمیز و ناگهانی از پیش برنامه‌ریزی شده که به قصد کشتن فرد یا افرادی معمولاً سیاسی و سرشناس یا به منظور ایجاد رعب و وحشت در دیگران صورت می‌گیرد (همان، ۶۰۳).

یافته‌ها

از آمار ۴۷۷۰ تن شهدای زن کشور، شهدای زن استان با ۶۵۴ تن (پایگاه جامع فرهنگ ایثار و شهادت استان آذربایجان غربی) بعد از خوزستان در رتبه دوم قرار دارد. این شهدا در اثر بمباران مناطق مسکونی در شهرها و روستاها توسط رژیم عراق، گلوله‌باران روستاهای نوار مرزی، برخورد با مین‌گذاری گروهک‌های ضدانقلاب در جاده‌های فرعی و روستایی، اجرای کمین، حمله به روستا، آتش زدن خانه‌های مردم، حین درگیری با نیروهای نظامی و انجام عملیات ربایش و ترور به فیض شهادت نائل آمده‌اند. در این مقاله ما به شناسایی و معرفی سیزده زنی پرداخته‌ایم که با اهداف و عملکرد مزدوران وابسته به بیگانگان مخالف بوده و در اثر عملیات تهدید و ارباب و ربایش و سرانجام ترور توسط آن‌ها شهید شده‌اند. در این میان آن‌ها به نوزده تن از اعضای خانواده زنان شهید، نظیر فرزند خردسال، پدر، همسر و برادر آن‌ها رحم نکرده و هرکس را که سد راهشان می‌دانسته‌اند، هدف آماج گلوله‌های خود قرار داده‌اند. اینک به معرفی زنان قهرمان شهید استان می‌پردازیم

شهید فاطمه تیموری و شهادت پدرشهر و فرزندش بهرنگ درویشی

فاطمه تیموری نوزدهم شهریورماه سال ۱۳۲۹ در روستای کهریز به دنیا آمد. پدرش قربانعلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش زهرا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵ جلد ۱ شهید شماره ۲۲۱۸). در خطه آذربایجان غربی، می‌خواست از زخم‌های زینب، آوایی عاشورایی بسراید که در گوش جان‌ها طنین‌انداز باشد. این بانوی انقلابی، در روستای کهریز ارومیه که خاکریزی مابین انقلابیون و ضدانقلاب‌ها بود، باور دینی و انقلابی را از نیام زبان بیرون کشید و همه تهدیدهای ضدانقلاب را کوچک شمرد. در کوچه باغ‌های کهریز، نام امام (ره) و شهدا را نشاء کرد. این اقدام انقلابی، زمانی اتفاق افتاد که آذربایجان غربی از هر سو مورد حمله بعثی‌ها، احزاب و گروهک‌ها بود و زادگاهش (کهریز) در طول یک روز، چند بار دست‌به‌دست می‌شد.

او در آن سال‌ها با داشتن سه فرزند خردسال (دو پسر ۴ و ۶ ساله و یک دختر ۴ ماهه) فریادش را به‌تنهایی بلند می‌کرد و در یورش ضدانقلاب، یگانه زنی بود که از پشت‌بام خانه‌اش نفرین سر می‌داد و الله‌اکبرش، طنین‌انداز کوچه‌های تنگ و باریک روستا می‌شد. (گروه فرهنگی هاتف و سایت کنگره ملی سرداران و ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی) عاقبت در بیست و هشتم اسفندماه سال ۱۳۶۱، ضدانقلاب برای خاموش کردن یگانه زن انقلابی روستای کهریز که به‌جز پدرشهر و فرزند چهارساله مدد یاری نداشت، به خانه‌اش یورش برده و با ورود به خانه فاطمه، پدرشهرش را به رگبار می‌بندند و سر کودک معصومش را از بدن جدا می‌کنند و کاشانه‌اش را به آتش می‌کشند، تا فاطمه دست از ضریح انقلاب اسلامی برگیرد.^۱

^۱ شهید میرزا آقا درویشی کهریز نهم خرداد ۱۳۰۱، در روستای کهریز از توابع ارومیه به دنیا آمد. پدرش محمدباقر و مادرش بالاخانم نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. کشاورز بود. ازدواج کرد و صاحب پنج فرزند شد. بیست و هشتم اسفند ۱۳۶۱، در زادگاهش مورد سوءقصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. پیکر او را در باغ رضوان شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵، شهید شماره ۳۷۷۶)

شهید بهرنگ درویشی کهریز بیست و پنجم مرداد ۱۳۵۹، در روستای کهریز از توابع شهرستان ارومیه به دنیا آمد. پدرش حسنعلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش فاطمه تیموری (شهادت ۱۳۶۱) نام داشت. بیست و هشتم اسفند ۱۳۶۱، در زادگاهش هنگام درگیری نیروهای خودی با گروهک‌های ضدانقلاب بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. پیکر او را در باغ رضوان زادگاهش به خاک سپردند. (لازم به یادآوری است دشمنان به این طفل معصوم هم رحم نکرده و همراه مادر و پدر بزرگش او را نیز شهید کرده‌اند.) (همان شماره شهید ۳۳۷۵)

لیکن این گونه نمی‌شود و او خودش را به آماج گلوله‌ها می‌سپارد و در سن ۳۲ سالگی فریاد انقلابی‌اش را تا ملکوت اعلی بلند می‌کند. حال ۳۶ سال است که آتش خانه فاطمه در خاطر سنگ‌نشینان آذربایجان غربی شراره می‌کشد و یادها را به طراوت می‌نشانند و تاریکی‌ها را از باورها می‌زداید (گروه فرهنگی هاتف). پیکر او را در باغ رضوان ارومیه به خاک سپردند (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵ جلد ۱ شهید شماره ۲۲۱۸).^۲

بابک درویشی فرزند بزرگ شهیده فاطمه تیموری گفت: «ما آن زمان در روستای کهریز که یکی از روستاهای شهرستان ارومیه است زندگی می‌کردیم. مادرم فردی بسیار مؤمن و انقلابی بود که به فعالیت‌های انقلابی و مبارزات علیه رژیم شاه مشغول بود و بارها به تذکرات گروهک‌های ضدانقلاب مبنی بر فعالیت علیه امام (ره) اعتنا نکرد و هم‌چنان در مبارزات علیه رژیم شاه شرکت می‌کرد. شب عید نوروز سال ۶۱ در خانه نشسته بودیم که جمعی از افراد ضدانقلاب به خانه‌مان حمله کردند، آن موقع پدرم در منزل نبود، گروهک‌های ضدانقلاب به منزل ما حمله‌ور شدند و به محض ورود با شلیک گلوله به پیشانی پدر بزرگ، مادر و برادر کوچکم به‌رنگ (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵ جلد ۱ شهید شماره ۲۲۱۸)، که دو سال داشت آن‌ها را به شهادت رساندند. او در ادامه گفت: «من شاهد تمام این اتفاقات بودم چون در زیر کرسی که در خانه داشتیم قایم شده بودم. از آن خانواده، من و خواهر کوچکم که بر اثر وارونه شدن گهواره به زیر آن افتاده بود و پدرم که در مسافرت بود زنده ماندیم (وبلاگ کهریزقطعه‌ایی از بهشت به گزارش خبرنگار پایگاه خبری تیار)».

استی مامندی

استی مامندی فرزند رسول از خانواده‌ای متدین در روستای علی‌آباد از توابع اشنویه در سال ۱۳۱۷ دیده به جهان گشود (پایگاه داده دفاع مقدس و مقاومت). مادرش مرجان نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌داری می‌کرد (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵ جلد ۲ شهید شماره ۷۸۵۶). دل‌باخته مکتب اسلام، قرآن و اهل عمل به احکام اسلامی از جمله نماز اول وقت بود. با پیروزی انقلاب اسلامی پیام انقلاب را به مردم منطقه می‌رساند. خانه او محل آموزش خیاطی و گلدوزی و رفع مشکلات زنان روستا بود. او شیرزنی بود که از افشای اهداف پلید دشمن، اشرار و ضدانقلاب منطقه لحظه‌ای فروگذار نبود. او با شجاعت و غیرت زنانگی ثابت کرد که از مردان مزدور استکبار جهانی، کسانی که وطن، دین، ناموس، شرف و عزت خویش را به بیگانگان و دشمنان قسم خورده مملکت اسلامی فروخته‌اند، باغیرت‌تر است. خفاشان شب نمی‌توانستند تلاش یکی از حامیان واقعی جمهوری اسلامی را تحمل کنند و مهر و محبت او را در دل مردم ببینند. لذا وجود او را چون خاری در چشم می‌پنداشتند. سرانجام در ششم خردادماه ۱۳۶۲ عناصر ضدانقلاب شب‌هنگام به دور از چشم مردم روستا، در یک یورش ناجوانمردانه به منزلش ریختند و استی قهرمان را از خانه‌اش ربوده تا به خیال خام خود از صدمات زبان حق‌گویش در امان باشند. شیرزن شجاع و یاور صدیق انقلاب که صادقانه در خدمت مردم روستا بود، تا چشم باز کرد خود را در محاصره اشرار دید. مردم از خانه‌هایشان بیرون آمده بودند، اشرار مسلح حزب منحل دموکرات دور تا دور روستا را در محاصره خود گرفته بودند. به دستور سران اشرار برای چشم‌زخم از مردم، بی‌رحمانه دست‌های بسته او را با ریسمان به تراکتور می‌بندند. لوله تفنگ‌ها به‌سوی مردم نشانه رفته بود. کسی را یارای کمک به استی نبود، او در این لحظه آیه «فاستقم کما امرت» را تجسم عینی بخشید. تراکتور شروع به حرکت کرد و شیرزن شجاع کمان‌کش به دنبال او، چندین بار محیط روستا را دورزد و پیکر استی را

۲. در فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی محل تولد ایشان روستای خالدآباد اشنویه اعلام شده است.

با خود بر زمین کشید. دیگر رمقی برای او نمانده بود. دیگر صدایی از نای آن زن مقاوم به گوش نمی‌رسید (حماسه‌سازان جاوید، صفحه ۲۰ و ۲۱).

طولی نکشید که با توقف تراکتور صدای ناله و شیون مردم به آسمان بلند شد. زن و مرد، پیر و جوان بر اشرار ضدانقلاب نفرین می‌کردند. استی جان به جان آفرین تسلیم کرده بود و پیکر خونین و خاک‌آلودش بی‌حرکت بر روی زمین افتاده بود. خبر حماسه این بانوی مسلمان و شجاع دهان‌به‌دهان گشت و صدای آن چون بمب بسیار قوی در سراسر منطقه پیچید و چنان بازتابی از خود به جای گذاشت که به استیصال ضدانقلاب و نفرت و انزجار مردم منطقه منجر گردید. پیکر پاک و مطهر این شهیده بزرگوار پس از تشییع در زادگاهش روستای علی‌آباد اشنویه به خاک سپرده شد (فصلنامه گوهرهای ماندگار: ۱۳۸۰، صفحه ۱۹-۱۷).

شهید زکیه درویش‌پور سیاح و شهادت فرزندش اسماعیل پیرانی

زکیه درویش‌پور یکم مهر ۱۳۳۰ در شهرستان مهاباد دیده به جهان گشود. پدرش انور، کارگری می‌کرد و مادرش گوهر نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. ازدواج کرد و صاحب دو پسر و دو دختر شد. بیست و هفتم دی ۱۳۶۲، در پسوهی نقده توسط گروهک‌های ضدانقلاب به شهادت رسید. پیکرش را در مزار شهدای همان شهرستان به خاک سپردند (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵ شهید شماره ۳۷۵۶).

زکیه مادر شهید اسماعیل پیرانی از زنان اهل سنت است، که عناصر حزب دمکرات در پاییز سال ۱۳۶۲ وی را از شهر نقده ربوده و به ارتفاعات سرشاخان برده و او را در تاریخ ۲۷ دی‌ماه سال ۱۳۶۲ تیرباران کردند. (تقی‌زاده، ۱۳۱) جنازه آن شهید مظلوم به علت برودت هوا و برف تا سال ۱۳۶۴ در آن کوه‌ها مظلومانه ماند و سرانجام در اوایل بهار توسط چوپانی پیدا و سپس به شهر منتقل و به خاک سپرده شد. (تقی‌زاده، ۱۳۰).

تمامی اعضای خانواده پیرانی، فریب تبلیغات حزب منحل دمکرات را خورده و یکی از پسران وی نیز به صف آنان پیوسته بود. فرزند دیگر آنان به نام اسماعیل پیرانی هوادار آنان و مسئول حمل و پخش اعلامیه حزب منحل بود که بعد از مشخص شدن اهداف تفرقه‌افکنانه، هر دو با ابراز ندامت از اعمال گذشته خود، به عنوان یک شهروند عادی مشغول به زندگی روزمره شدند که این پیشیمانی بر ذائقه حزب منحل خوش نیامد. در نهایت عصر روز ۴ بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲ اسماعیل پیرانی را به همراه دوستش قادر باریکی در نقده ترور و به شهادت رسانیدند^۴

۳. اسماعیل پیرانی یکم فروردین ۱۳۴۰، در شهرستان نقده چشم به جهان گشود، پدرش صدیق، کارگری می‌کرد و مادرش زکیه درویش‌پور (شهادت ۱۳۶۲) نام داشت. تا دوم دی‌ریستان در رشته برق درس خواند. چهارم بهمن ۱۳۶۲، در زادگاهش مورد سوءقصد گروه‌های ضدانقلاب قرار گرفت و به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای همان شهرستان به خاک سپردند (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی).

اسماعیل پیرانی در سال ۱۳۴۱ در شهرستان نقده در میان خانواده‌ای متدین و مذهبی چشم به عالم هستی گشود و در کانون گرم و براز صفا و صمیمت خانواده‌اش تربیت یافت. او برای امرار معاش و تأمین مایحتاج خانواده کمک دست پدرش بود و به کارهای مختلف می‌پرداخت. شهید مدتی فریب وعده‌های دروغین گروهک‌های ضدانقلاب منطقه را خورده و به صف مخالفین انقلاب اسلامی پیوست و مدتی را به همکاری با آنان پرداخت. وی پس از مدتی که پی به ماهیت ضدانقلابی و ضد انسانی آن‌ها برده بود و از نزدیک شاهد جنایات و بی‌شرمی‌های گروهک‌های وابسته و خائن بودند.

شهید گویچک زارع و شهادت همسر رستم جدی و فرزندش سهراب

گویچک زارع فرزند قربان در یکم مهرماه سال ۱۳۳۵ در روستای ملک‌آباد از توابع شهرستان میاندوآب دیده به جهان گشود. پدرش قربان کشاورزی می‌کرد. گویچک خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود. سال ۱۳۴۸ ازدواج کرد که ثمره آن سه پسر و یک دختر بود (سایت صبح). گویچک در تاریخ دهم آذرماه سال ۱۳۵۹ در زادگاهش مورد حمله ناجوانمردانه عناصر حزب منحل دموکرات در منزل خویش قرار گرفت. وی به هنگام دفاع از شوهرش که دشمنان قصد جاننش را کرده بودند، ابتدا با قنداق اسلحه از ناحیه صورت مضروب شد. سپس هنگامی که شوهرش رستم جدی مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود، برای دفاع و حفاظت از همسرش، خود را روی او انداخته و از ناحیه کتف چپ، سینه و شکم بر اثر اصابت تیر مجروح شد. در همین حین فرزند کوچک خود سهراب را بر روی سینه‌اش گرفته و به حالت سینه‌خیز می‌خواست خود و فرزندش را نجات دهد، ولی مزدوران حزب منحل با روسری او را خفه کرده و به همراه شوهر و فرزندش به شهادت رساندند (تقی‌زاده، اسماعیل). آری گویچک در سن ۲۴ سالگی در دفاع از حریم ناموس و خانواده‌ی خود و در پاسداری از آرمان‌های انقلاب اسلامی مورد سوء قصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و به شهادت رسید. پیکر این سه شهید را در گلزار شهدای همان روستا به خاک سپردند (سایت صبح).

به انقلاب بود و از نیات شوم و پلید آن‌ها شناخت کافی به دست آورد، از عمل خود پشیمان گشته و به آغوش باز نظام جمهوری اسلامی برگشت و برای جبران گذشته خود به خدمت در سپاه مشغول شد و کمک‌های زیادی در امر نابودی ضدانقلاب انجام داد. تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۴ در میدان وحدت شهرستان نقده به وسیله ضدانقلاب مورد هدف قرار گرفت. او نیز به خیل شهدای انقلاب پیوست و به دیدار معبود خویش شتافت. پیکر پاک این شهید در گلزار شهدای نقده به خاک سپرده شد. (کنگره سرداران و ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی)

شهید آمنه علی‌مرادی و شهادت همسرش محمد صالح رستمی و دو فرزندش محمد هادی و نامق

آمنه علی‌مرادی فرزند محمد رحیم در تاریخ ششم اردیبهشت سال ۱۳۱۹ در روستای کس‌نزان‌قوچان از توابع شهرستان سقز دیده به جهان گشود. پدرش به کشاورزی اشتغال داشت و مادرش را ملیحه می‌نامیدند. خواندن و نوشتن نمی‌دانست، خانه‌داری می‌کرد. سال ۱۳۳۸ ازدواج کرد که ثمره آن پنج پسر و دو دختر بود (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵، شهید شماره ۶۴۶۳). یازدهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۳ بود.^۵

^۵ شهید رستم جدی یکم خرداد ۱۳۱۸، در روستای گرده‌رش از توابع شهرستان میاندوآب به دنیا آمد. پدرش خانعلی، کشاورزی می‌کرد و مادرش نرجس نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۴۳ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و یک دختر شد. دهم آذر ۱۳۵۹، در زادگاهش مورد سوء قصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و به شهادت رسید. مزارش در روستای ملک‌آباد همان شهرستان قرار دارد. فرزندش سهراب و همسرش گویچک زارع نیز شهید شده‌اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵، شهید شماره ۲۲۹۳)

شهید رستم جدی سی‌ام اردیبهشت ۱۳۵۱، در روستای گرده‌رش از توابع شهرستان میاندوآب به دنیا آمد. پدرش رستم (شهادت ۱۳۵۹)، کشاورزی می‌کرد و مادرش گویچک زارع (شهادت ۱۳۵۹) نام داشت. دانش‌آموز سوم ابتدایی بود. دهم آذر ۱۳۵۹، در زادگاهش هنگام سوء قصد گروهک‌های ضدانقلاب به پدرش، شهید شد. پیکر او را در روستای ملک‌آباد تابعه همان شهرستان به خاک سپردند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵، شهید شماره ۲۲۹۴)

شهید محمد صالح رستمی یکم آبان ۱۳۰۵، در روستای گورباغعلی از توابع شهرستان تکاب به دنیا آمد. پدرش توفیق کشاورزی می‌کرد و مادرش هاجر نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. او نیز کشاورز بود. در سال ۱۳۳۸ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و دو دختر شد. یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۳، در منطقه شریف‌آباد شهرستان زادگاهش هنگام درگیری (خانواده شهید) با گروهک‌های ضدانقلاب بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. پیکر وی را در همان شهرستان به خاک سپردند. همسر وی آمنه علی‌مرادی و فرزندش محمد هادی و نامق نیز به شهادت رسیده‌اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵، شهید شماره ۴۱۶۴)

خورشید رنگ پریده زمستان روی در حجاب می کشد و پیکر نیمه جانش را به پشت بلند کوه ها می برد و آخرین رمق خویش را به جان آدمیان می ریزد. سیاهی آرام آرام بالا می آمد و به سینه آبی آسمان می خزید، ظلمت و سکوت، شب را به خانه هایشان کشانده بود. صدیق به اتفاق چند تن از برادران سپاهی و بسیجی در پایگاه بالای تپه به نگهبانی مشغول بود. عقربه ساعت عدد نه را نشانه رفته بود. خانواده او در خانه کوچک و با صفایشان روز پرکاری را پشت سر گذاشته بودند و بدین سبب بعد از صرف شام مشغول استراحت بودند. به محض خاموشی چراغ های خانه، اشرار ضدانقلاب ظلمت شب را غنیمت دانسته و خانه رزمنده اسلام و بسیجی دلاور، صدیق رستمی را به محاصره در آورده و چند نفر از بالای دیوار به داخل خانه وارد می شوند. محمد صالح، پدر صدیق، متوجه حضور آنها می شود و مقاومت نشان می دهد، لکن جانپان از خدا بی خبر در جا او را با اسلحه به شهادت می رسانند. اعضای خانواده همه بیدار شدند و از ترس به گوشه ای از اتاق پناه بردند. آمنه مادر صدیق قرآن به دست می گیرد و آنها را به قرآن قسم می دهد که دست از سر آنها بردارند؛ اما مزدوران کافر اعتنایی نکرده و با اسلحه گلوله ای به سمت کتاب آسمانی شلیک می کنند. قرآن از دست آمنه می افتد گلوله دوم قلب این شیرزن را سوراخ می کند. بچه های بی گناه اعضای خانواده به نام های محمد هادی و نامق رستمی، یکی پس از دیگری نیز خون پاکشان دیوار و سقف خانه را رنگین می کند. بدین ترتیب آمنه علی مرادی در سن ۴۴ سالگی به همراه همسرش محمد صالح رستمی و دو فرزند معصومش محمد هادی و نامق رستمی به جرم آنکه صدیق رستمی پاسدار بومی سپاه بود، به شهادت می رسند. خون این خانواده که از افراد بومی شهرستان بوکان بودند، چنان شعله ای در منطقه ایجاد کرد که دامن اشرار ضدانقلاب از آن در امان نماند. هرکس این جریان فجیع انقلاب را می شنید، بر اشرار حزب منحل دموکرات و کومله لعنت می فرستاد و این گونه بود که خون این شهیدان و دیگر شهدا سیلی شد که بنیان اشرار را از ریشه و بن کند و به اضمحلال و شکست آنها انجامید. مزار پاک و مطهرشان در گلزار شهدای تکاب واقع شده است (سایت صبح).

محمد فاتح رستمی از رزمندگان دوران دفاع مقدس و از خانواده ای چهار شهید و الا مقام است که قریب چهار سال در جبهه های جنگ حضور خالصانه داشته است. وی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری فارس اظهار داشت: «پدرم با شناختی که از گروهک ها داشت مخالف ظلم، بی عدالتی و فساد آنها بود با برادرم موافقت کرد و به او گفت به جنگ برو و علیه این متجاوزین و مفسدین بایست و نگذار آنها به خاک و خانه ات تجاوز کنند.» رستمی خاطر نشان کرد: «اطلاعاتی که برادرم از آنها داشت و مقاومت پدرم در مقابلشان موجب دشمنی این گروهک ها با خانواده ما شد. پدرم سه ماه و ۱۵ روز در زندان گروهک های ضدانقلاب زندانی بود، چند ماه از آزادی او نگذشته بود که عوامل آنها به خانه ما حمله کردند و پدر، مادر و دو برادرم را به شهادت رساندند.

محمد صالح رستمی، محمد نامق رستمی، هادی رستمی و آمنه علیمرادی چهار شهید خانواده بنده هستند که به دست گروهک های ملحد و از خدا بی خبر به شهادت رسیدند. (سایت استان کردستان) محمد رستمی در نشریه حماسه سازان جاوید در متنی تحت عنوان نامه ای به بهشت در رسای مادر شهیدش در فرازی چنین نوشته است: «ای مادر شهیدم، اگر تو را کوه

شهید محمد هادی رستمی یکم اسفند ۱۳۴۷، در روستای علی آباد کرفتو از توابع شهرستان تکاب به دنیا آمد. پدرش محمد صالح (شهید ۱۳۶۳)، کشاورز بود و مادرش آمنه علیمرادی (شهید ۱۳۶۳) نام داشت. تا دوره ابتدایی درس خواند. یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۳ در منطقه شریف آباد شهرستان زادگاهش مورد سوء قصد نیروهای حزب دموکرات قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار وی در همان شهرستان قرار دارد. برادرش نامق نیز شهید شده است. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵، شهید شماره ۴۱۶۵).

شهید نامق رستمی پانزدهم آذر ۱۳۴۴، در روستای علی آباد کرفتو تابعه شهرستان تکاب به دنیا آمد. پدرش محمد صالح (شهید ۱۳۶۳)، کشاورز بود و مادرش آمنه علیمرادی (شهید ۱۳۶۳) نام داشت. تا دوره راهنمایی درس خواند. یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۳ در منطقه شریف آباد شهرستان زادگاهش مورد سوء قصد نیروهای حزب دموکرات قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار وی در همان شهرستان قرار دارد. برادرش محمد هادی نیز شهید شده است. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی: ۱۳۹۵، شهید شماره ۴۱۶۷).

بنامم صحیح نیست، زیرا کوه استواری و استقامت را از تو آموخته، رودت نخوانم که رود صداقت و پاکدامنی تو را به ارمغان برده است.» (حماسه سازان جاوید، ۳۲)

شهید زلیخا مجیدی گجک

زلیخا مجیدی پنجم خرداد سال ۱۳۲۱ در روستای اوطمیش از توابع مهاباد به دنیا آمد. پدرش محمد رسول کشاورزی می‌کرد. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۷۹۰۵) پدرش حافظ و قاری قرآن و روحانی روستا بود. به دلیل فقر مالی از نعمت سواد بی‌بهره ماند. چندی بعد به روستای لژی مهاجرت کرد. آنجا روستاییان در سرما و گرما کار طاقت‌فرسا انجام می‌دادند تا ارباب خوب استفاده کند. در ۱۷ سالگی ازدواج کرد و به روستای علی کند رفت. او اهمیت زیادی به خواندن نماز اول وقت می‌داد (سایت صبح). خانه‌دار بود. سال ۱۳۹۵ ازدواج کرد و صاحب دو پسر و یک دختر شد (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۵۹، شهید شماره ۷۹۰۵). انقلاب اسلامی که پیروز شد، انگار، روحی تازه در کالبدش دمیده شده است، سر از پا نمی‌شناخت، علاقه و عشق عجیبی به اسلام پیدا کرده بود. پیوسته و در همه حال و با هر کس که حرف می‌زد و در مجلسی که حضور می‌یافت، تکیه کلامش امام بود و همیشه با سلام و صلوات از او یاد می‌کرد (فصلنامه یاد یاران، شماره ۲، صفحه ۱۱). از آن زمان که ضدانقلاب و اشرار در مناطق کردنشین به ویژه در شهرستان بوکان شرارت را آغاز کردند و دامن فتنه و آشوب را در جای‌جای این سرزمین شعله‌ور ساختند او با سلاح برنده و آتشین اندیشه و بیان، ضمن هدایت و روشنگری آن‌هایی که از روی ناآگاهی به دامن لشکریان شیطان افتاده بودند، در افشای اهداف پلید دشمن نیز لحظه‌ایی را از دست نمی‌داد (سایت صبح). گرچه زن بود اما با متانت تمام و وقاری خاص، از حقانیت جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کرد و کلمات حق را بر فرق منافقین و ملحدین می‌کوبید (فصلنامه یاد یاران، شماره ۲، صفحه ۱۱). با حضور ضدانقلاب در کردستان و مشاهده زورگویی و بدرفتاری عناصر حزب منحل دموکرات، کلیه تحرکات آن‌ها را به سپاه پاسداران گزارش می‌داد و به همین منظور پیوسته به بوکان

و میاندوآب در حال تردد بود. او در فضای اختناق و خفقان ضدانقلاب، از عظمت و حقانیت امام (ره) و نظام می‌گفت. آخرین نماز ظهرش را که خواند گفت: «خدایا، ما را به راه راست هدایت فرما. خدایا شر این خائنین به وطن را از سر ما کوتاه کن. خدایا تو شاهد هستی که من برای افشای چهره پلید اشرار و ضدانقلاب که به نام خلق کرد، مردم ستم‌کشیده کرد را به غل و زنجیر کشیده‌اند، هر کاری توانستم کردم.» شب هفتم مهرماه سال ۱۳۶۲ وقتی همه اهالی روستا خواب بودند، مردان مسلح به خانه زلیخا حمله کردند و او را در میان چشمان بهت‌زده کودکان و همسرش ربودند و در بیرون روستا با اصابت چهار گلوله به شهادت رساندند. پیکر پاکش را در گلزار شهدای روستای علی کند بوکان به خاک سپردند. ضدانقلاب به دلیل ترس از آگاهی مردم حتی از برگزاری مراسم ترحیم این شهیده جلوگیری کرد و مردم را با تهدید از حضور در مراسم ختم دور نمود (سایت صبح).

شهید شرافت‌السادات خسروی‌هاچه‌سو و شهادت همسر او و چهار فرزندش احمد ۲، محمود ۳، محمد ۴ و محرم فتح‌الله‌زاده‌هاچه‌سو

شرافت‌السادات (سکینه) خسروی فرزند سید کریم، یکم فروردین سال ۱۳۰۹ در روستای هولاسو از توابع شهرستان شاهین‌دژ دیده به جهان گشود. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. سال ۱۳۳۰ ازدواج کرد و صاحب پنج پسر و دو دختر شد (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۳۴۲۴). او از همان کودکی عالم به زمان و عاشق اهل بیت بود و بعد از

پیروزی انقلاب اسلامی که مقارن با آتش‌افروزی فتنه‌گران در منطقه به ویژه شهرستان شاهین‌دژ بود، جزو کسانی بود که همگان را به مقابله با آتش شرارت ضدانقلاب ترغیب و تشویق می‌کرد و همسر و فرزندان خود را با دعای خیر راهی مناطق عملیاتی می‌نمود. هر بار که خبرهای مسرت بخشی از جبهه‌ها می‌رسید، خوشحال می‌شد و با شورو شوق زائدالوصفی زنان را جمع می‌کرد و در پشت جبهه برای رفاه رزمندگان به تهیه اقلامی نظیر خشکبار، لباس، پتو و ... اقدام می‌کرد. در کنار پیروزی رزمندگان، خبرهایی مبنی بر شهادت فرزندان می‌رسید، اما او سکینه بود و خود و اطرافیانش را به آرامش و صبوری دعوت می‌کرد. او زینبی بودن و زینبی زیستن را به خوبی درک کرده و در زندگی پیاده کرده بود. هر بار که شهیدی تقدیم اسلام می‌کرد، می‌گفت: «رضایم به رضای خداست و ان‌شاءالله خداوند این قربانی‌ها را از ما بپذیرد.» وی شاخص‌ترین زنان مکتب حسینی بود و چهار جگرگوشه برومند و نیز همسر وفادارش را زینب‌گونه فدای مکتب امام حسین(ع) کرد و عاقبت در سفر مکه معظمه در حادثه خونین کعبه در نهم مردادماه سال ۱۳۶۶ (سایت صبح) هنگام شرکت در راهپیمایی براءت از مشرکین توسط نیروهای سعودی به شهادت رسید. همسرش علی فتح‌الله‌زاده و فرزندان محمد، محمود، محرم و احمد نیز شهید شده‌اند (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۳۴۲۴). مزارش در گلزار شهدای روستای هولاسو شاهین‌دژ قرار دارد (سایت صبح). حضور قهرمانانه این شهید بزرگوار در صحنه دفاع از انقلاب اسلامی و خانواده شش شهید بودن باعث شد تا یادی از آن‌ها از دیار شاهین‌دژ در این مقاله بنماییم.^۶

شهید محبوبه مظلومی و شهادت دخترش مریم محمدی چیانه^۱

محبوبه مظلومی در روز دهم اسفندماه سال ۱۳۱۶ در روستای چیانه نقده پا به عرصه هستی نهاد. پدرش حسین و مادرش افروز نام داشت. کودکی‌اش را با شادی در روستای چیانه سپری کرد. درس و مدرسه را تا دوره‌ی متوسطه ادامه داد. در

^۶ شهید میرزاعلی فتح‌الله‌زاده‌هاچه‌سو هفتم خرداد ۱۳۰۹، در روستای هولاسو از توابع شهرستان شاهین‌دژ دیده به جهان گشود. پدرش رحمت‌اله و مادرش خاور نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. ازدواج کرد و صاحب پنج فرزند پسر و دو فرزند دختر شد. پانزدهم تیر ۱۳۶۰، در زادگاهش مورد سوءقصد نیروهای حزب منحل دموکرات قرار گرفت و به شهادت رسید. مزار وی در همان روستا قرار دارد. فرزندان، احمد، محمود، محمد و محرم و همسرش شرافت خسروی نیز به شهادت رسیده‌اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۶۶۸۶).

شهید احمد فتح‌الله‌زاده‌هاچه‌سو دوازدهم دی ۱۳۴۶، در روستای هولاسو از توابع شهرستان شاهین‌دژ چشم به جهان گشود. پدرش میرزاعلی (شهادت ۱۳۶۰) و مادرش شرافت خسروی (شهادت ۱۳۶۶) نام داشت. تا سوم ابتدایی درس خواند. پانزدهم تیر ۱۳۶۰، در زادگاهش مورد سوءقصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. پیکر وی را در همان روستا به خاک سپردند. برادرانش محرم، محمود و محمد نیز شهید شده‌اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۶۶۸۲).

شهید محمود فتح‌الله‌زاده‌هاچه‌سو دهم خرداد ۱۳۴۸، در روستای هولاسو از توابع شهرستان شاهین‌دژ چشم به جهان گشود. پدرش میرزاعلی (شهادت ۱۳۶۰) و مادرش شرافت خسروی (شهادت ۱۳۶۶) نام داشت. در حد ابتدایی درس خواند. پانزدهم تیر ۱۳۶۰، در زادگاهش مورد سوءقصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. پیکر وی را در همان روستا به خاک سپردند. برادرانش محرم، احمد و محمد نیز شهید شده‌اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۶۶۸۵).

شهید محمدفتح‌الله‌زاده‌هاچه‌سو چهارم تیر ۱۳۴۹، در روستای هولاسو از توابع شهرستان شاهین‌دژ چشم به جهان گشود. پدرش میرزاعلی (شهادت ۱۳۶۰) و مادرش شرافت خسروی (شهادت ۱۳۶۶) نام داشت. در حد ابتدایی درس خواند. پانزدهم تیر ۱۳۶۰، در زادگاهش مورد سوءقصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. پیکر وی را در همان روستا به خاک سپردند. برادرانش محرم، محمود و احمد نیز شهید شده‌اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۶۶۸۴).

شهید محرم فتح‌الله‌زاده‌هاچه‌سو سوم اردیبهشت ۱۳۳۹، در روستای هولاسو از توابع شهرستان شاهین‌دژ چشم به جهان گشود. پدرش میرزاعلی (شهادت ۱۳۶۰) و مادرش شرافت خسروی (شهادت ۱۳۶۶) نام داشت. تا اول راهنمایی درس خواند. سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد. به عنوان بسیجی در جبهه فعالیت می‌کرد. دهم اسفند ۱۳۶۰، در زادگاهش مورد سوءقصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. پیکر وی را در همان روستا به خاک سپردند. برادرانش احمد، محمود و محمد نیز شهید شده‌اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۶۶۸۳).

۱۸ سالگی ازدواج نمود. صاحب پنج فرزند پسر و یک دختر شد (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۸۶۱۵). بر اثر پاکدامنی و مراعات تقوا و تزکیه، اسوه زنان روستا شناخته می‌شد. تلاش او برای حل مشکلات زنان روستا به ویژه دختران، نفوذ و محبوبیت او را بیشتر کرده بود. منزل او محل رجوع گرفتاری‌های مردم بود. او با مساعدت همسایگان بیش از یازده مراسم عروسی برای خانواده‌های ضعیف و کم درآمد برگزار کرد. از نظر عبادی و توجه به نماز اول وقت و اشاعه آن، امر به معروف و نهی از منکر، دوری از غیبت و روزه‌داری فعال بود و از محرمات الهی پرهیز می‌نمود.

با پیروزی انقلاب اسلامی از مبلغین نهضت پرشور امام (ره) بود. این زن وارسته در اوج حضور و همه‌اشعار و گروهک‌های ضدانقلاب، لحظه‌ای از افشای چهره پلید آنان دست برنمی‌داشت و در تهییج و بسیج همگانی مردم روستای چپانه علیه دشمنان قسم‌خورده انقلاب نقش اساسی و محوری داشت.

صبح روز نوزدهم مهرماه سال ۱۳۶۳ مقارن با اربعین حسینی به همراه دختر کوچکش مریم محمدی به دیدن اقوام در روستا رفت. سپس به همراه همسر و دخترش به نقده رفت تا در مراسم سوگواری و تعزیه شرکت کند. بعد از پایان مراسم در میان راه نقده و روستای چپانه بر اثر اصابت گلوله ضدانقلاب که در کمین ماشین آن‌ها بودند، محبوه و دخترش همان لحظه به شهادت رسیدند. چهارده گلوله به سر و صورت و شکم محبوه اصابت کرده بود. اما همسرش نجات یافت. پیکر پاک محبوه در سن ۴۷ سالگی و دخترش مریم محمدی چپانه پس از انجام مراسم تشییع، در گلزار شهدای نقده در میان سیل اشک مردم عزادار به خاک سپرده شد (سایت صبح).

شهید ترلان قاسم‌زاده ۱ و شهادت پدرش محسن ۲ و برادرانش اردشیر ۳ و جمشید ۴ و همسرش میرزاعلی بدلی ۵

ترلان قاسم‌زاده دوم فروردین‌ماه سال ۱۳۲۳ در شهر نقده پا بر خاکدان هستی نهاد. پدرش محسن (تاریخ شهادت ۱۳۵۸)، مغازه‌داری می‌کرد و مادرش زینب نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. خانه‌دار بود (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۷۰۰۲). ازدواج کرد و صاحب یک پسر و دو دختر شد (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، همان). در غائله شهر نقده به تاریخ ۳۱ فروردین‌ماه سال ۱۳۵۸ مانند دیگر زنان غیرتمند نقده در برابر آتش بی‌امان حزب منحلہ دمکرات ایستاد و خون خود را تقدیم آرمان‌های والای انقلاب نمود و نامش به عنوان اولین زن شهید نقده ثبت گردید. و پیکر پاکش در گلزار شهدای نقده به خاک سپرده شد. همسرش نیز در راه دفاع از انقلاب و ایران به شهادت رسید (سایت صبح). در ضمن پدرش محسن و برادرانش اردشیر و جمشید قاسم‌زاده همگی در غائله نقده شهید شده‌اند (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، همان).

شهید نسترن صفایی فر

نسترن در هفدهم مهرماه ۱۳۴۹ در شهرستان اهر چشم به جهان گشود. پدرش محمود دبیر بود و مادرش غنچه نام داشت (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۵۵۲۶). چهره نازیبای فقر و مشکلات موجب گردید که با دردها و اندوه‌های محرومان به خوبی مأنوس شود. تحصیلات خود را تا اخذ دیپلم در شهرستان اشنویه به پایان رساند. بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۲ در بهداری اشنویه استخدام و به خدمت صادقانه خود ادامه داد. او انقلاب اسلامی ایران را

انقلاب همین محرومان و پابرهنگان می‌دانست، لذا صادقانه و با خلوص و صفا در خدمت به انقلاب و امت مظلوم و ستم‌کشیده آن، با جان و دل تلاش و کوشش می‌نمود و در همه حال به بنیان‌گذار انقلاب الهی، حضرت امام(ره) ارادت می‌ورزید.^۷

به خاطر همین شور و عشق او، کوردلان مزدور حزب منحل دموکرات و خودفروخته استکبار جهانی تحمل این همه ایثار و خلوص او را ننموده و با کار گذاشتن بمب در محل خدمت او در سحرگاه ۱۳۷۳/۲/۵ وجود معصومش را پرپر نمودند و او در سن ۲۴ سالگی در خون غوطه‌ور و با قلبی پاک و دلی مطمئن به صف شهدای همیشه جاوید و سرافراز انقلاب پیوست. پیکر مطهرش در جوار حق در گلشن شهدا اشنویه قرار گرفت(سایت صبح).

شهید گلاله نام‌آور

گلاله نام‌آور در چهاردهم مهر ۱۳۵۶، در شهرستان بوکان به دنیا آمد. پدرش محمود، کارگری می‌کرد و مادرش فاطمه نام داشت(فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۹۱۱۹). تا کلاس پنجم ابتدایی مشغول درس خواندن شد. وی به علت فقر مالی از ادامه تحصیل محروم ماند(سایت زنان شهید). خانه‌دار بود. سال ۱۳۷۵ ازدواج کرد. بیستم مهر ۱۳۷۶، در خاک عراق توسط نیروهای حزب منحل دموکرات به جرم همکاری با نظام جمهوری اسلامی ایران اعدام شد و به شهادت رسید(سایت زنان شهید). پیکر او را در کشور عراق به خاک سپردند(فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۹۱۱۹).

شهید آمنه رسولی

آمنه رسولی در یکم فروردین ۱۳۲۰ در روستای ایگریقاش از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش احمد کشاورزی می‌کرد و مادرش زلیخا نام داشت. خانه‌دار بود. سال ۱۳۴۰ ازدواج کرد و صاحب سه فرزند پسر و دو دختر شد. پانزدهم مهر ۱۳۶۴، در زادگاهش مورد سوءقصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار او در همان روستا قرار دارد. فرزندش بیژن غلامی نیز به شهادت رسیده است(فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۴۲۱۶).^۸

^۷ مریم محمدی چپانه بیست و ششم شهریور ۱۳۵۰ در روستای چپانه از توابع شهرستان نقده دیده به جهان گشود. پدرش غلامحسین، کشاورزی می‌کرد و مادرش محبوبه مظلومی(شهادت ۱۳۶۳) نام داشت. دانش‌آموز اول راهنمایی بود. نوزدهم مهر ۱۳۶۳، در زادگاهش مورد سوءقصد گروهک‌های ضدانقلاب قرار گرفت و به همراه مادرش به شهادت رسید. پیکرش را در شهرستان زادگاهش به خاک سپردند(فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۸۲۵۰).

^۸ نام این شهید در لیست شهدای جنگ خونین نقده در کتاب روز شمار سال‌های بحران در تاریخ شهرستان نقده نوشته علی صدراپی، تهران، گنجینه هنر، ۱۳۸۳ صفحه ۴۹ نیز آمده است.

شهید محسن قاسم‌زاده دوم خرداد ۱۳۹۲، در شهرستان نقده به دنیا آمد. پدرش عزیز و مادرش سارا نام داشت. خواندن و نوشتن نمی‌دانست. مغازه‌دار بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و پنج دختر شد. دوم اردیبهشت ۱۳۵۸، در زادگاهش توسط گروهک‌های ضدانقلاب بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد. فرزندانش اردشیر و جمشید نیز به شهادت رسیده‌اند(فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۷۰۱۳).

شهید اردشیر قاسم‌زاده دهم دی ۱۳۳۷، در شهرستان نقده چشم به جهان گشود. پدرش محسن(شهادت ۱۳۵۸)، مغازه‌دار بود و مادرش زینب نام داشت. تا دوم متوسطه درس خواند. یکم اردیبهشت ۱۳۵۸، در زادگاهش توسط گروهک‌های ضدانقلاب بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار وی در گلزار شهدای همان شهرستان قرار دارد. برادرش جمشید و خواهرش ترلان نیز به شهادت رسیده‌اند(فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۷۰۰۱).

شهید سیده طوبی جسیمی

سیده طوبی جسیمی چهارم مهر ۱۳۴۱، در روستای دهبکر از توابع شهرستان مهاباد به دنیا آمد. پدرش سید کریم کشاورز بود و مادرش منیجه (منیژه) نام داشت. تا مقطع راهنمایی درس خوانده بود (پایگاه جامع فرهنگ ایثار و شهادت). خانه دار بود. ازدواج کرد و صاحب پنج دختر شد. سیزدهم تیر ۱۳۷۲، در شهرستان زادگاهش مورد سوء قصد گروهک های ضدانقلاب قرار گرفته و بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزارش در زادگاهش واقع است (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۲۳۰۴).

نتیجه گیری

در پیروزی انقلاب اسلامی زنان کشور سهم به سزایی داشتند. در دفاع مقدس و برقراری امنیت استان آن ها پشتیبان اصلی رزمندگان اسلام بودند. با توجه به بررسی به عمل آمده در این مقاله، سیزده تن از آنان با جان فشانی و رشادت و به تعبیر مقام معظم رهبری با حضور قهرمانانه خود نقش مهمی ایفا نموده و چهره زشت و پست عناصر جلاد و ظالم حزب منحل دموکرات و کومله را با نثار خون خویش نشان دادند و ثابت کردند که دفاع و پاسداری از آرمان های امام راحل و اهداف انقلاب اسلامی که ثمره خون شهیدان در عرصه های مختلف است، همچنان باقی است و این راه که راه مبارزه با استکبار جهانی است، ادامه خواهد داشت. در این مقاله مشخص شد زنان شهید استان، خون خویش را در دفاع از کیان خانواده، همسر، فرزند و برادر رزمنده خود که مورد خشم گروهک های ضدانقلاب بودند، به همراه نوزده تن از اعضای خانواده خود نثار کردند و زینب گونه مدافع حریم اسلام، انقلاب و کشور شدند.

شهید جمشید قاسم زاده ششم اردیبهشت ۱۳۲۸، در شهرستان نقده به دنیا آمد. پدرش محسن (شهادت ۱۳۵۸)، مغازه دار بود و مادرش زینب نام داشت. خواندن و نوشتن نمی دانست. سی و یکم فروردین ۱۳۵۸، در زادگاهش توسط گروهک های ضدانقلاب بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار وی در گلزار شهدای همان شهرستان قرار دارد. برادرش اردشیر و خواهرش ترلان نیز به شهادت رسیده اند. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۷۰۴).

شهید میرزا علی بدلی یکم خرداد ۱۳۱۴، در شهرستان نقده چشم به جهان گشود. پدرش بابا و مادرش ترلان نام داشت. در حد خواندن و نوشتن سواد آموخت. بازاری بود. سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و سه دختر شد. دوم اردیبهشت ۱۳۵۸، در زادگاهش توسط گروهک های ضدانقلاب هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای همان شهرستان واقع است. همسرش ترلان قاسم زاده نیز به شهادت رسیده است. (فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵، شهید شماره ۱۴۹۳).

در کتاب فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی محل تولد ایشان شهرستان اشنویه اعلام شده است.

منابع

۱. انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن تهران سخن، جلد اول، صفحه ۱۱۲۳. پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت، نوید شاهد، <http://www.navideshahed.com>
۲. پایگاه داده دفاع مقدس و مقاومت، Details. <http://www.irdefa.ir/Shohada/>
۳. تقی زاده، اسماعیل، یادنامه زنان شهیده استان آذربایجان غربی انتشارات کنگره سرداران و ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی.
۴. حماسه سازان جاوید، ویژه نامه زنان شهید و فداکار استان منتشره از سوی اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان آذربایجان غربی به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.
۵. سایت استان کردستان- روایت یک فرزند و برادر شهید از جنایات گروهک های ضدانقلاب در کردستان مصاحبه با برادر و فرزند شهید محمدفتح رستمی <http://kordestan.farsnews.com/news>
۶. سایت زنان شهید <http://shohadayezan.ir/en/node>
۷. سایت صبح. توسط گروه فرهنگی هاتف Shohada. www.sobh.org/web/Pages/Shohada
۸. سایت کنگره ملی سرداران و ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی
۹. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۱-۳۴۲.
۱۰. صدراپی، علی (۱۳۸۳)، روزشمار سال های بحران در تاریخ شهرستان نقده، تهران، گنجینه هنر.
۱۱. فرهنگ اعلام شهدا استان آذربایجان غربی، مرکز مطالعات و پژوهش های بنیاد شهید و امور ایثارگران، تهران، نشر شاهد، ۱۳۹۵ جلد ۱ و ۲.
۱۲. فصلنامه گوهرهای ماندگار، کنگره بزرگداشت سرداران و ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی، بهار ۱۳۸۰، سال اول شماره ۲.
۱۳. فصلنامه یاد یاران، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی، کنگره سرداران و ۱۲ هزار شهید استان آذربایجان غربی، دوره جدید، شماره ۲، پائیز ۹۳.
۱۴. گروه فرهنگی هاتف show. <http://rasekhoon.net/weblog/shouhada/show>
۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع گروهی از خواهران و برادران بسیجی در تاریخ ۵۶/۹/۱۰.
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.
۱۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران کردستان در تاریخ ۸۸/۲۰/۲۲.
۱۸. وبلاگ کهریز قطعه ایی از بهشت به گزارش خبرنگار پایگاه خبری تیار <http://kahrizvillage.blogfa.com>

منابع:

1. Anvari, H. (2003). A condensed dictionary of speech] (Vol. 1). Tehran: Sokhan.
2. Ayatollah Khomeini. (n.d.). The Imam's collection of sayings (Vol. 7, pp. 341-342).
3. Hatef Cultural Group. (n.d.). Martyrs. Sobh. <http://www.sobh.org/web/Pages/Shohada>
4. Kahriz Village Blog. (n.d.). Kahriz: A piece of paradise. Tayyar News Agency. <http://kahrizvillage.blogfa.com>
5. Kordestan Province Official Website. (n.d.). The narration of a martyr's son and brother regarding the crimes of anti-revolutionary groups in Kurdistan: An interview with the brother and son of martyr Mohammad Fateh Rostami. Fars News Agency. <http://kordestan.farsnews.com/news>
6. National Congress of Generals and 12,000 Martyrs of West Azerbaijan Province. (n.d.). Martyrs section. [Website URL if applicable]
7. Navide Shahad. (n.d.). Foundation of Martyrdom and Sacrifice Information Base. <http://www.navideshahed.com>
8. Rasekhoon. (n.d.). Martyrs. <http://rasekhoon.net/webblog/shouhada.show>
9. Sadrayi, A. (2004). Roozeshmar-e salhaye bohran dar tarikh-e shahrestan-e Naqadeh [Diary of the crisis years in the history of Naqadeh County]. Tehran: Ganjineh Honar.

10. Shahid Women Website. (n.d.). <http://shohadayezean.ir/en/node>
11. Taqizadeh, E. (n.d.). Yadnameh-ye zanan-e shahideh ostan-e Azarbaijan-e Gharbi [Memoirs of female martyrs of West Azerbaijan Province]. Tehran: Congress of Generals and 12,000 Martyrs of West Azerbaijan Province.)